

یادداشت سیاسی

**باراک اوباما ، مسیح موعود یا فریب هزاره سوم**

امروز نتیجه انتخابات آمریکا اعلام شد . با اینکه میزان شرکت در انتخابات در یکصدساله اخیر بی سابقه بوده است، چیزی نزدیک به ۶۴ و خورده ای درصد از رای دهندگان واجد شرایط در انتخابات شرکت کرده اند . شور و هیجان هزاران نفر در خیابانهای آمریکا و اشکهای شوق بر چهره های سپید و سیاه و حضور میلیونها انسان که نه شاید میلیاردها در مقابل تلویزیونها در سراسر جهان ، می باید ما را قانع کند که اینها همه نشان از پایان یک دوران ! و آغاز دورانی دیگر است . در این میان ، توده های سیاه پوست آمریکایی تردیدی ندارند که " او " نه با کنسرنهای نفتی و تسلیحاتی و نه با سرمایه جنایتکار یهود که تنها با آنها و از آنهاست !

جامعه در حال انفجار و گریزان از نکبت دار و دسته جرج دبلیو بوش به " مسیحای جدیدی " امید بسته است که قرار است پیام آور تغییر باشد . پیام آور توانستن باشد . آیت و نشانه کارایی دمکراسی در ورای دیکتاتوری پنهان سرمایه باشد . نوید دهنده رویای آمریکایی باشد . تغییری که امکان پذیر است و کدام بینه و دلیلی برتر و بالاتر از قرار گرفتن یک سیاه آفریقایی از تبارنفرین شدگانی که یک قلم چهل میلیون نفرشان در زیر سایه تنها ابرقدرت دنیا در زیر خط فقر زندگی می کنند ، در راس بالاترین مقام اجرایی کشور و در هیئت ظاهری قدرتمندترین مرد دنیا ! می تواند باشد ؟

عاقلمانه نیست که تمامی آنچه را که اتفاق افتاده حاصل یک طرح و برنامه از پیش آماده شده قلمداد کرد . بدون شک هر قطره اشکی که از شب گذشته تا به امروز بر چهره های صدها هزار نفر روان گردید اشکهای واقعی بودند . نه فقط بر چهره مردم عادی که در واقعی بودن اشکهای آدمهایی چون " جسی جکسون " کاندیدای بیست سال پیش انتخابات ریاست جمهوری وقت آمریکا نیز نباید تردید کرد .

این اشکها و لبخندها ، البته عواقب سیاسی و اجتماعی اندکی را در ابعاد داخلی و بین المللی بر جای نخواهند گذاشت ! همراه با این قطرات لغزان اشک و فقهه های مستانه است که مطالبات ملتی بالا و بالاتر می رود و آن کدام سیاستمداری است که نداند می توان مطالبات یک ملت را سالهای سال پایین نگه داشت اما نمیتوان بسادگی مطالباتی را که بالا رفت دوباره پایین آورد . می توان دیو را در شیشه نگه داشت . ولی بازگرداندن آن دیو تنوره کشی را که یکبار آزاد شده باشد ، به شیشه از محالات است .

با این حال ابلهانه است اگر تصور شود که تغییر در راه است ! نه به این خاطر که خدای ناکرده اوباما مثل سلفش آدم کلاه بردار و کلاشی است ! نه ! نه ! نه ! نه ! اینک باور کردنی نیست که او بواقع خواهان تغییر است ! نه ! به یک دلیل ساده که اساسا " ابزار تغییر " در اختیار نه فقط او که در ید قدرت جایگاه او نیز نیست . اگر کسی تصور کند که " نظم نوین جهانی " آنقدر سست و بی بنیاد و ناظرمان آن نیز اینقدر دمکرات و برخوردار از ذره ای انسانیت و شرافت و اخلاق هستند ، نه این نظم را فهم کرده است و نه آن ناظرمان را !

سرمایه داری هار آمریکا موقتا با " باراک حسین اوباما " از سویی بر پاسیفیسم مهلکی که در میان رای دهندگان ، سالهاست که حکومت می کند و از سوی دیگر بر تهدید روبه افزایش رسیدن جامعه به مرزهای یک انفجار عظیم اجتماعی و رادیکالیزاسیون سیاسی ، لگام زده است .

با اوباما به جامعه در حال انفجار نشان داده است که راه حل نه در طرد سیستم و نه در شوریدن بر علیه آن که در مشارکت فعال در تغییر آن است. با اوباما باید به دنیا نیز نشان داد که این تنها دار و دسته جنایتکار بوش - چینی نبوده و نیستند که ایالات متحده آمریکا را نمایندگی می کنند.

حاصل کلام اینکه تا آنجایی که به " استراتژی های کلان " بر می گردد ، با اوباما هیچ چیز تغییر نخواهد کرد. این را قبلا بارها گفته ام. در روشها و متدها اما تغییر بسیار خواهد بود. به همین اعتبار هم ، تا آنجا که به مسئله ایران و " طرح خاورمیانه بزرگ " بر می گردد ، اوضاع نه تنها بهتر نخواهد شد که بر آنتاگونیسم موجود افزوده نیز خواهد گردید. هر کس هر چه که می خواهد بگوید. بحث " تعویض رژیم " از روی میز سیاست خارجی آمریکا کنار نخواهد رفت. در همین راستا هم ، به رژیم " جمهوری اسلامی " نه " تضمین امنیتی " داده خواهد شد و نه موقعیت آن به لحاظ منطقه ای و بین المللی به رسمیت شناخته خواهد شد. آنچه که بی تردید تغییر خواهد کرد ، سمت و سوی تحولات منطقه ای تا آنجا که به ایران برمی گردد ، به سمت همکاری بیشتر آمریکا با اروپا و خاتمه دادن به سیاست شکست خورده تکروی ایالات متحده خواهد رفت.

مهمترین نشانه هر تغییر واقعی اما ، پیش از هر چیز ، باز کردن و به جریان انداختن پرونده جنایت ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و به دادگاه کشانیدن دار و دسته جنایتکار بوش - چینی در این رابطه هست. هر چیز پایین تر از این ، درست به مانند خود ۱۱ سپتامبر فریبی بیش نخواهد بود. پرونده ای که .... همچنان باز است.

بیژن نیابتی ، ۱۵ آبانماه ۱۳۸۷